

مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کووید-۱۹ در نظام حقوقی ایران^۱

(مقاله علمی-پژوهشی)

باقر شاملو*

مهدی حسینی**

چکیده

علی‌رغم شیوع ویروس کووید-۱۹ در کشور، به دلیل نویدبیداری، قدرت و سرعت بالای انتقال این ویروس، بسترهای کافی برای مواجهه ضابطه‌مند با آن در کشور، مانند بیشتر کشورهای جهان، فراهم نبوده است. تا پیش از شیوع ویروس مذکور، با وجود آنکه شیوع بیماری‌های واگیردار قبل‌تر نیز در کشور رخ داده، نگرش نظام حقوقی ایران به بیماری‌های واگیردار به‌مثابه یک واقعه گذرا بوده است. بر این اساس، مسئولیت منتقل‌کنندگان ویروس کووید-۱۹ مطابق مقررات کیفری خاص قابل تطبیق تام نبوده، باید مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس مذکور را ذیل عمومات حقوق کیفری پی گرفت. هرچند وجود قانون خاص طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار می‌توانست نویدبخش وجود مقررات خاص در این حوزه باشد؛ اما قدمت قانون مذکور و عدم روزآمدی مانع از کاربست مؤثر آن می‌شود. بنابراین، در این مقاله تلاش می‌شود مسئولیت کیفری منتقل‌کنندگان ویروس کووید-۱۹ ذیل عناوین مجرمانه موجود در قوانین کیفری مورد تحلیل قرار گرفته، شرایط انطباق رفتار فرد مرتکب با هر یک از آنها تبیین گردد. در این راستا، پیشنهاد خواهد شد که به‌موجب دشواری‌های اثبات رابطه سببیت در احراز وقوع عناوین مجرمانه موجود، پیش‌بینی نظام قانونی خاص برای پیش‌گیری از شیوع هر چه بیشتر ویروس مذکور و سایر بیماری‌های واگیردار در دستور کار مقنن قرار گیرد.

کلید واژگان:

مسئولیت کیفری، کووید-۱۹، انتقال ویروس، رابطه سببیت.

۱. این مقاله به سفارش «مرکز ملی تحقیقات حقوق سلامت» نگارش یافته است.
* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

B-shamlou@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

hosseini.mhdi@gmail.com

مقدمه

در هر جامعه‌ای عمل به قانون و وظایف قانونی به‌عنوان زیربنای تمام روابط اجتماعی و بقای اساس اجتماع مورد پذیرش واقع شده است. ناگزیر باید با قانون‌شکنان برخورد مناسب روا داشت تا تجاوز آنان از مرزهای ترسیم‌شده از سوی مراجع ذی‌صلاح و قانون‌گذار نتواند اختلال در نظم عمومی به‌وجود آورده و همچنین دیگران را نیز تشویق به ارتکاب تخلف نسازد. براین اساس، مراجع مسئول می‌بایست کسانی را که مانع از رسیدن اشخاص به حق قانونی خویش می‌شوند یا از ادای حقوق دیگران و انجام تکالیف خویش امتناع می‌ورزند، مجبور به کنار گذاشتن تخلف کنند و در صورتی که سودی نبخشد، با استناد به قانون با اشخاصی که امنیت زیستی جامعه و شهروندان را تهدید می‌کنند، برخورد کند. امنیت زیستی به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه برای کاهش خطر انتقال بیماری‌های واگیردار توسط گونه‌های مهاجم محسوب می‌شود. تهدیدات امنیت زیستی به این معنی است که خطرات در مقیاس کوچک به‌سرعت بالا می‌رود. بنابراین برای آنکه یک سیاست مؤثر قابلیت اجرایی داشته باشد، باید با پشتوانه‌های قانونی موجود بتوان آن را اجرا کرد؛ وگرنه تبدیل به یک چالش می‌شود. زیرا در هر جامعه‌ای با محدودیت‌هایی در زمان و منابع برای کاهش تهدیدها و وقوع آنها مواجهیم و باید مجموعه‌ای از تدابیر اتخاذ شود که خطر انتقال بیماری‌های عفونی توسط گونه‌های مهاجم کاهش یابد. در حال حاضر مشاهده می‌شود کشورهای گوناگون در همه‌نقاط دنیا با وجود تدابیر و زیرساخت‌های درمانی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت، همگی مانند ایران، در وضعیت بحران ناشی از شیوع ویروس کووید-۱۹ قرار دارند. بنابراین بشریت فارغ از مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های شیوه حکومت‌داری و توان متفاوت در زیرساخت‌های اقتصادی و درمانی، همگی با بحران بیولوژیک در ابعاد جهانی مواجه شده‌اند که عوامل تشدید بحران باید مورد مدیریت جدی قرار گیرد. یکی از این عوامل، اشخاص مبتلا به بیماری یا دارای علائم ابتلاست که برای امکان تحقق این مهم باید مسئولیت‌های قانونی این اشخاص و راهکارها و تمهیدات موجود در قوانین موضوعه کشور مورد واکاوی و تصریح قرار گیرد تا این دسته از اشخاص مبتلا مطلع باشند که در صورت تخطی از دستورات مقامات ذی‌صلاح، مسئولیت قانونی دارند. بنابراین، برای تنبیه افراد جامعه و الزام ایشان به رعایت اصول و پروتکل‌های بهداشتی، باید شرایط شکل‌گیری مسئولیت کیفری تشریح

شده و نسبت به برخی از افراد که خطر انتقال ویروس مذکور را جدی نمی‌گیرند، از حربه کیفر و شکل‌گیری مسئولیت کیفری مراقب رفتار افراد جامعه استفاده نمود. هرچند، همواره اصل کمینه‌گرایی در کیفر مطمح نظر بوده و توجه به آن صرفاً برای ایجاد مسئولیت کیفری در شهروندان، به‌مثابه عاملی بازدارنده، ضروری می‌نماید.

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اقتضا دارد که قانون‌گذار عناوین جرایم را مشخص و مجازات آنها را اعلام نماید.^۱ در نتیجه، تحقق هر جرمی منوط به آن است که رفتار ارتكابی و شرایط تحقق جرم، قبل از آن در قانون بیان شده باشد و برای آن مجازات معینی در نظر گرفته شود.^۲ فقدان قانون خاص برای جرم‌انگاری و مجازات رفتارهای انتقال‌دهنده و اقدامات خطرآفرین در خصوص ویروس کووید-۱۹ سبب شده‌است تا در این راستا توسل به نهادهای کیفری مورد توجه قرار گیرد و با توجه به خطرات این بیماری برای جامعه، علاوه بر لزوم پیشگیری، تدوین قوانین مناسب در راستای تأمین سلامت جامعه و حمایت از قربانیان آن ضروری است.

در خصوص انتقال بیماری‌های واگیردار، مانند کرونا، مسائلی مطرح است. از جمله آنها وجود فاصله زمانی تا حصول نتیجه رفتار منتقل‌کننده ویروس، مشخص نبودن علت حقیقی انتقال و بسیاری موارد دیگر که همگی از یک‌سو باعث صعوبت و پیچیدگی مضاعف احراز رابطه سببیت و استناد شده و از سوی دیگر همین پیچیدگی‌ها باعث تعدد عناوین مختلف مجرمانه‌ای گردیده که ممکن است باعث مشتبه‌شدن موضوع برای کنشگران عدالت کیفری گردد.^۳ به عبارت بهتر، رکن اصلی تحقق مسئولیت کیفری، صحت انتساب و استناد است که احراز آن در کلیه جرایم لازم و ضروری است و مسئولیت ناشی از انتقال بیماری‌های واگیردار نیز از این امر مستثنا نیست. هرچند انتقال ویروس با اسباب ناپیدا صورت می‌گیرد، اما مانند اسباب ظاهری دارای آثار و نتایجی است که در صورت احراز رابطه استناد بین این نتایج و اسباب ناپیدا، در مسئولیت

۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر، *کلاهبرداری در حقوق ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه شاهد، چاپ نخست، ۱۳۷۴، ص ۴۴.

۲. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰، ص ۴۳.

۳. فروغی، فضل‌الله، محمد میرزایی، امیر باقرزادگان و محسن صوفی زمر، *نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار و جرایم قابل انتساب*، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، ۱۳۹۴، شماره ۳۵، ص ۱۲۷.

انتقال‌دهنده در فرض اجتماع شرایط، نمی‌توان تردید کرد. نکته قابل توجه، دشواری احراز این رابطه به علت ناپیدا بودن اسباب است؛ ضمن اینکه ویژگی‌های نوعی دیگر بیماری‌های واگیردار نیز ممکن است باعث دشواری دو چندان احراز این رابطه شود. بنابراین علی‌رغم دشواری اثبات رابطه سببیت، در این پژوهش تلاش می‌شود تا مسئولیت کیفری انتقال‌دهنده ویروس کووید-۱۹ از منظر ثبوتی و تحت عناوین مجرمانه مرتبط موجود، مورد واکاوی و شرح قرار گیرد.

۱. قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰

مجلس شورای ملی مورخ ۱۳۲۰/۳/۱۱ قانونی را با عنوان «قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار» تصویب کرد. این قانون علی‌رغم قدمت طولانی آن هنوز به‌طور صریح یا ضمنی مورد نسخ قرار نگرفته‌است. در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ و دستورالعمل اجرایی آن مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۸۹، قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰ جزء قوانین منسوخ احصا نشده، یعنی قانون موصوف نسخ صریح نگردیده‌است. در سال ۱۳۴۶ و با اصلاحات بعدی آن، قانون‌گذار به‌منظور جلوگیری از آلوده کردن و فساد و ارتکاب تقلب در مواد خوراکی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی، آن را جرم‌انگاری کرده که موضوع این قانون نیز منصرف از موضوع قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ بوده‌است و نسخ ضمنی از آن برداشت نمی‌شود. در سال ۱۳۷۴ نیز به‌منظور مبارزه و مقابله با آلوده‌کنندگان هوا از طریق وسایل نقلیه و کارخانجات و کارگاه‌ها، قانون‌گذار اقدام به جرم‌انگاری نموده‌است که موضوع این قانون نیز از قانون موضوع بحث منصرف بوده و از این قانون نیز نسخ ضمنی برداشت نمی‌شود. این در حالی است که با گسترش علوم تجربی و پیدایش بیماری‌های واگیردار نوظهور، تدوین قانونی نو، به‌منظور مدیریت بهتر حوزه بهداشت و سلامت، ضروری می‌نماید. ماده ۹ قانون مذکور بیان می‌دارد: «هر کس بداند که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر بوده یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که باید حدس بزند که بیماری او واگیر است و به واسطه آمیزش او، طرف مقابل مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند، مبتلاکننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود». در خصوص امکان استناد به ماده مذکور در خصوص مسئولیت منتقل‌کنندگان ویروس کووید-۱۹، می‌بایست اظهار داشت، آنچه که ماده به آن اشاره دارد، ابتلای به بیماری

به‌واسطهٔ آمیزش است و می‌بایست آن را در قید الفاظ مذکور تفسیر نمود و از بسط آن به موارد غیر پرهیز کرد. بنابراین استناد به مادهٔ مذکور برای مسئولیت انتقال ویروس کووید-۱۹ ممتنع به نظر می‌رسد.

همچنین در خصوص مادهٔ ۲۲ قانون مذکور که تصریح می‌نماید: «اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند یا در اثر غفلت، باعث انتشار یکی از بیماری‌های واگیردار می‌شوند، با هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شوند»، باید بیان کرد که هرچند این ماده در برابر منتقل‌کنندگان غیرعمد ویروس مذکور قابل استناد به نظر می‌رسد، اما کیفر مصرح در آن کاملاً نامتناسب است.

همچنین مطابق تصریح تبصرهٔ مادهٔ ۱۲ این قانون: «هرگاه بهداری به وجود کسی که مبتلا به بیماری واگیر است اطلاع یافت، می‌تواند به وسایل مقتضی بازجویی کند که بیمار مشغول درمان می‌باشد یا نه و در صورت لزوم اخطار کند تا اگر بیمار در ظرف مهلت مقرر به درمان نپرداخت او را الزام به درمان نماید». در نتیجه، اشخاصی که دارای علائم ابتلا به بیماری کووید-۱۹ هستند، اولاً مکلف‌اند بنا بر اعلام مقامات ذی‌صلاح، به‌صورت شخصی خود را قرنطینه کنند و در صورتی که مشاغل دولتی دارند و برای حاضر نشدن در محل کار باید عذر موجه داشته باشند، باید با مراجعه به مراکز تشخیص نسبت به انجام آزمایش اقدام کرده، در صورت مثبت بودن نتایج آزمایش، نسبت به دریافت گواهی پزشکی مبنی بر لزوم قرنطینه شدن اقدام و آن را برای محل کار خود ارسال کنند تا از این طریق تکلیف قانونی، اخلاقی و شرافتی خود را انجام دهند و از تردد بین شهروندان ممانعت نمایند.

۲. تهدید علیه بهداشت عمومی

به‌دلیل موجبیبت انتقال ویروس در شیوع آن، می‌توان در صورت وجود شرایط مذکور در ماده، فعل فرد منتقل‌کنندهٔ ویروس کووید-۱۹ را مستند به مادهٔ ۶۸۸ قانون مجازات (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ دانست و این رفتار را به‌مثابهٔ نوعی تهدید علیه بهداشت عمومی محسوب نمود. مطابق مادهٔ مذکور: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی، توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفادهٔ غیرمجاز

فاضلاب خام یا پس‌آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای کشاورزی، ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنان‌چه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک‌سال محکوم خواهد شد.»

به‌موجب عدم حصر مفاد مذکور در ماده و ذکر تمثیلی همه آنها، انتقال ویروس کووید-۱۹ نیز در وهله نخست، می‌تواند تهدیدی علیه بهداشت عمومی تلقی شده، مشمول ماده گردد. زیرا انتقال ویروس مذکور، به‌سبب قابلیت ویژه آن در همه‌گیری و شیوع، تهدیدی جدی علیه بهداشت عمومی محسوب می‌گردد. البته فقدان مقررات خاص ناظر به مسئولیت انتقال ویروس کرونا شایسته ابداع کارآمد و سریع مقنن است. همان‌گونه که کشور فرانسه پس از همه‌گیری ویروس مذکور در آن کشور، در مدتی کمتر از شصت روز، اقدام به تصویب قانونی شایسته در این حوزه نمود. البته این موضوع مستلزم رعایت همه حساسیت‌های حوزه تقنین بوده و موجّه شتابزدگی در این اقدام نیست. فارغ از توجه به حوزه تقنین کیفری مرتبط با ویروس کرونا، توجه شایسته مقنن ایرانی به حوزه سلامت، بهداشت عمومی و بیماری‌های واگیردار نیز امری است که فقدان آن، با وجود تورم تقنین کیفری در سایر حوزه‌ها، احساس می‌شود. این در حالی است که تصویب مقررات خاص «سلامت و بهداشت عمومی» در کشورهای اروپایی دارای سابقه و قدمت زیادی می‌باشد.^۱ تبصره ۱ ماده مذکور بیان می‌دارد: «تشخیص این‌که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط‌زیست شناخته شود...، حسب مورد برعهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.» همچنین مطابق تبصره ۲ ماده مذکور نیز، «منظور از آلودگی محیط‌زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به‌میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری‌که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.»

هرچند جنس اقدامات مذکور در ماده، علی‌رغم تمثیلی بودن، مشابهتی با انتقال ویروس کووید-۱۹ ندارد، جرم‌انگاری «تهدید علیه بهداشت عمومی» می‌تواند مستمسکی برای استناد به

۱. مصطفوی، سیدمصطفی و سیدرضا احسان‌پور، **مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ایدز و عوامل رافع آن؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، کانادا و فقه امامیه**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هشتم، ۱۳۸۶، شماره ۲، ص ۲۲۵.

ماده مذکور در خصوص مرتکبان انتقال ویروس مزبور محسوب شود. مخصوصاً آنکه مصوبات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص رعایت برخی نکات بهداشتی که عدم رعایت آنها را موجب انتقال ویروس مذکور و شیوع آن در جامعه دانسته‌است، می‌تواند تبصره ۲ ماده مذکور را محقق سازد. بنابراین مطابق یک تفسیر، شاید بتوان افرادی را که با عدم رعایت برخی نکات بهداشتی، به‌مثابه تهدیدی جدی علیه بهداشت عمومی جامعه محسوب می‌شوند، مشمول ماده مذکور دانست و آنها را مطابق با آن، مورد تعقیب و محکومیت قرار داد. این موضوع هرچند در نگاه نخست مخالف آموزه‌های نوین کیفری در خصوص کاهش جمعیت محکومان محسوب می‌شود، استناد به آن در برابر افرادی که به سلامت عامه مردم اهمیتی نمی‌دهند و موجب ایجاد بحران بهداشتی در جامعه می‌شوند، بلاوجه نخواهد بود.

بر اساس تفسیر مخالف نیز می‌توان اظهار داشت که آنچه از بهداشت، به‌ویژه با توجه به مصادیق ذکر شده در ماده، به ذهن متبادر می‌شود، مقوله‌ای به‌عنوان مقدمه سلامتی می‌باشد و انتقال ویروس تهدیدی علیه سلامتی است، نه علیه بهداشت. همچنین حداکثر مجازات یک سال مذکور در ماده نیز مؤیدی بر این ادعا است؛ زیرا به‌ویژه در انتقال ویروس‌های کشنده نامتناسب جلوه می‌نماید. لیکن اگر بتوان فرض نمود میکروب یا ویروس بنا به دلایل مختلف از جمله ضعیف بودن نوع آن، توان بیمار نمودن فرد دیگری را نداشته باشد، درعین حال در سطح جامعه ولو به‌صورت محدود پخش گردد، این اقدام را می‌توان در صورت وجود سایر شرایط، به‌عنوان تهدیدی علیه بهداشت عمومی تلقی و مرتکب آن را به مجازات مقرر در ماده ۶۸۸ قانون مجازات (تعزیرات) ۱۳۷۵ محکوم نمود.

۳. جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد

انتقال بیماری‌های نوعاً یا نسبتاً کشنده می‌تواند در فرایندی تدریجی، به مرگ فرد منتقل‌الیه منتج شود. با توجه به این فرایند، دسته‌ای از جرایم که بر این اساس قابلیت ارتکاب دارد، جرایم مرتبط با تمامیت جسمانی فرد است که بر حسب عنصر روانی، شدت، گستره ضرر و نوعاً یا نسبتاً کشنده بودن عوامل بیماری، می‌توان انواع مختلفی از آن ارائه کرد. در موارد مربوط به انتقال ویروس کووید-۱۹، فعل مجرمانه شامل همه رفتارهایی است که موجبات انتقال بیماری را فراهم می‌آورد؛ مثلاً می‌توان به تماس و لمس بدنی، استفاده نکردن عمدی از دستکش و ماسک،

پخش عمدی ترشحات ناشی از سرفه یا عطسه و... اشاره کرد. اما عامل تعیین‌کننده نوع قتل، عنصر روانی مرتکب است. در واقع آنچه از اهمیت برخوردار است، بررسی عنصر روانی این اعمال بوده که مبین نوع قتل و در نتیجه تعیین‌کننده نوع واکنش قانون‌گذار در برابر انتقال‌دهنده این بیماری‌ها خواهد بود. به همین خاطر، قانون‌گذار در مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، به ارائه راهکار کلی تعیین عنصر روانی که همانا توجه به قصد مستقیم و تبعی مباشر یا سبب می‌باشد، پرداخته است. بنابراین، در خصوص استناد به مقررات مربوط به ارتکاب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، اعم از قتل یا سایر خسارات علیه تمامیت جسمانی آنها، می‌بایست به کتاب سوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مراجعه نمود. پیش از پرداخت به انواع جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد ناشی از انتقال ویروس کووید-۱۹، باید بیان کرد که مطابق با ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه نیز احراز گردد. درجایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود». بر این اساس، علم افراد مبتلا به بیماری مذکور به امکان انتقال ویروس کووید-۱۹ از آنان به سایر افراد و چگونگی آن امری ضروری است که البته، با عنایت به حجم گسترده و جهانی اطلاع‌رسانی نسبت به موضوع کووید-۱۹، ویژگی‌های آن و رعایت نکات بهداشتی از سوی عموم افراد جامعه، آگاهی همه افراد نسبت به آن را شاید بتوان بدیهی و محرز دانست. بنابراین، قصد و اراده افراد مذکور برای انتقال ویروس به سایر افراد یا غفلت و قصور آنان در رعایت نکات بهداشتی و سرایت ویروس به افراد غیر می‌تواند موجب مسئولیت کیفری فرد مبتلا شده، حسب مورد، موجب محکومیت وی به قصاص یا دیه شود. همچنین با توجه به ویژگی‌های خاص ویروس کووید-۱۹ و وجود مواردی از عدم اطلاع فرد مبتلا نسبت به ابتلای خود و انتقال آن به سایر افراد، می‌توان از وقوع جنایت ناشی از خطای محض ناشی از انتقال ویروس کووید-۱۹ نیز سخن گفت. به عبارت دیگر، در ایامی که فرد مبتلا دچار ویروس مذکور شده است و به واسطه عدم ظهور علائم ابتلا در وی، نسبت به بیماری خود آگاهی لازم را ندارد، در صورت انتقال ویروس مذکور به افراد غیر، در صورت احراز رابطه سببیت عرفی، محکومیت وی به جنایت ناشی از خطای محض نیز ممکن خواهد بود. بدیهی است که احراز همه گونه‌های جنایت علیه تمامیت

جسمانی افراد ناشی از انتقال ویروس کووید-۱۹، منوط به احراز رابطه سببیت لازم است. یعنی باید بین رفتار مجرمانه جرم مقید و نتیجه مترتب بر آن، رابطه سببیت را احراز نمود.^۱ به عبارت دیگر، علاوه بر احراز قصد و آگاهی مذکور در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، احراز رابطه سببیت میان رفتارهای فرد مبتلا به ویروس کووید-۱۹ و نتیجه حاصل شده از رفتار وی ضروری است. چنانچه ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز بیان می‌نماید: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد؛ اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود». همچنین مطابق تصریح ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود؛ به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد. مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند». منظور از سببیت در عالم حقوق، نوعی سببیت قانونی است که در بسیاری از موارد مبتنی بر قضاوت عرف در مورد قابل سرزنش بودن مرتکب می‌باشد.^۲ بنابراین، مقصود از احراز رابطه سببیت، احراز رابطه عرفی از نظر عدمی یا وجودی میان سبب و مسبب بوده و در بحث از رابطه سببیت در حقوق جزا نمی‌بایست اسیر مباحث فلسفی در خصوص علیت شد.

احراز رابطه سببیت به موجب انتقال ویروس کرونا در ظاهر امری آسان به نظر می‌رسد؛ ولی دقت نظر در آن ذهن را با پیچیدگی‌های خاصی مواجه می‌سازد. زیرا در تمامی موارد انتقال ویروس از یک فرد مبتلا به فردی دیگر، تحقق مسئولیت منوط به تحقق این امر است که اثبات شود ابتلای افراد دیگر صرفاً به خاطر برقراری تماس فرد مبتلا به بیماری کووید-۱۹ با آنها بوده و این در حالی است که اثبات چنین مطلبی بسیار دشوار می‌نماید. زیرا اولاً در حال حاضر از نظر متخصصان علم پزشکی اثبات نگردیده‌است که قطعاً ویروس از چه زمانی وارد بدن انسان شده و تا چه زمانی در آن به صورت پایدار باقی می‌ماند. ثانیاً مبتنی بر دیدگاه کارشناسی متخصصان، راه‌های انتقال ویروس کووید-۱۹ منحصر به برقراری ارتباط با یکدیگر نیست و این احتمال وجود دارد که ویروس از برقراری تماس با اشیا و سایر اجسام یا حیوانات به انسان منتقل گردد.

۱. ولیدی، محمد صالح، *حقوق جزای اختصاصی*، جلد ۱، تهران: انتشارات جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۰، ص ۳۴.

۲. میرمحمدصادقی، سیدحسین، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴، ص ۴۵.

بنابراین، از جلوه‌گاه اثباتی، نمی‌توان به‌طور قطع حکم نمود که هر فرد مبتلا به ویروس کووید ۱۹ در اثر تماس با افراد حامل ویروس گرفتار این بیماری شده‌است. در صورتی که علم پزشکی در این زمینه به مرتبه‌ای برسد که امکان آن را داشته باشد جهات منتقل شدن ویروس و زمان انتقال آن را دقیقاً مورد تشخیص قرار دهد، امکان احراز رابطه سببیت و شناخت فرد مسئول امکان‌پذیر خواهد بود. با این حال، شاید بتوان راه‌حل شایسته را این‌گونه متصور شد که در خصوص هر مورد، تشخیص قاضی بر اساس نظر کارشناسی متخصصان علم پزشکی ملاک عمل قرار گیرد و از بیان حکم کلی در این خصوص پرهیز شود.^۱ علی‌رغم ذکر موارد لزوم اثبات قصد، آگاهی و رابطه سببیت برای محکومیت یک شخص به جنایت علیه تمامیت جسمانی شخص دیگر به موجب انتقال ویروس کووید-۱۹، بحث از ظرفیت‌های قانونی امکان محکومیت شخص ناقل طبق مقررات مربوط در نظام حقوقی ایران به ایراد جنایت علیه تمامیت جسمانی شخص دیگر ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳.۱. جنایت عمدی

به‌طور کلی حقوق ایران به تبعیت از نظر اکثریت فقهای شیعه و سنی، جنایت اعم از مباشرت یا تسبیب را موجب مسئولیت می‌داند. لازم به ذکر است که از میان فقهای اهل سنت، تنها ابوحنیفه است که قتل و جرح بالمباشره را موجب قصاص دانسته، قتل و جرح به تسبیب را موجب قصاص به حساب نمی‌آورد. بنابراین بر اساس نظر ایشان، انتقال به تسبیب عوامل بیماری‌زا باعث دیه است و موجب قصاص نخواهد گردید.^۲ برخی از فقهای امامیه نیز بر این عقیده‌اند که در قتل به تسبیب به غیر از موارد به خصوص و منصوص، به دلیل وجود ادله خاص، حکم قصاص وجود ندارد. شیخ طوسی در باب تسبیب می‌فرماید: «هر جایی که ما اصطلاح ضمان را به کار می‌بریم، معنایش پرداخت دیه از اموال ضامن می‌باشد».^۳ این در حالی است که مطابق ماده ۲۹۰ قانون

۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر، حجت‌الله سلیمانی و شیرین‌دخت پیروزان‌فرد، **مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا توسط اشخاص**، گزارش نشست تخصصی برگزار شده در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۹، ص ۸، قابل دسترس در «<https://modares.ac.ir/uploads/Res.Guide.Hse.66.pdf>»، آخرین بازدید: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱.

۲. فروغی، فضل‌الله، محمد میرزایی، امیر باقرزادگان و محسن صوفی زمرد، پیشین، ص ۱۳۸.

۳. طوسی، محمد بن حسن، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران: انتشارات مدرسه مرتضویه، ۱۳۴۶، ص ۱۸۷.

مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: «الف) هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. ب) هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد؛ ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. پ) هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده‌است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود؛ لکن درخصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی، نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد. ت) هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد؛ بدون آن که فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود؛ مانند این که در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند».

تبصره ۱ ماده مذکور در خصوص بند «ب» آن بیان نموده‌است: «عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است؛ مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود». همچنین به موجب تبصره ۲ ماده اخیر در خصوص بند «پ»: «باید آگاهی و توجه مرتکب به این که کار نوعاً نسبت به مجنی‌علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود». بند «الف» ماده مذکور را می‌توان ناظر به شخص مبتلایی دانست که با علم به بیماری خود و با قصد انتقال آن به شخص دیگر و ابتلا و فوت وی، به گونه‌ای با وی مصافحه نماید که انتقال ویروس مذکور از جانب خود به دیگری را ممکن نموده، از این طریق موجب انتقال ویروس به دیگری شود و آن فرد به سبب ابتلای به ویروس انتقال یافته از جانب فرد نخست، فوت نماید. در این حالت یقیناً با احراز عناصر آگاهی، علم و رابطه سببیت، محکومیت فرد نخست به قتل عمدی ممکن خواهد بود. به عبارت دیگر، شخص به قصد کشتن دیگری،

ویروس کرونا را وارد بدن او کند که هم سوءنیت عام و هم سوءنیت خاص وجود دارد. بنابراین، اگر عمل شخص منتهی به قتل شود، شخص قاتل عمد است. در خصوص بند «ب» می‌توان از فرد مبتلایی سخن گفت که علی‌رغم قصد انتقال ویروس به سایر افراد، ضمن آگاهی به بیماری خود، با شخصی دیگر مصافحه کند و شخص دیگر پس از ابتلای به ویروس مذکور و به‌سبب آن فوت نماید. در این حالت، در صورتی می‌توان شخص نخست را به ارتکاب قتل عمد محکوم نمود که ضمن آگاهی فرد نسبت به ابتلای خود و شرایط انتقال آن ویروس، از نظر کارشناسان و متخصصان علم پزشکی نیز ثابت گردد که انتقال ویروس کرونا به یک شخص «نوعاً کشنده» محسوب می‌شود. در حال حاضر، با عنایت به تعداد افراد بهبودیافته نسبت به همه جمعیت مبتلایان به ویروس کووید-۱۹، به‌نظر می‌رسد که سخن گفتن از «نوعاً کشنده بودن» ابتلای به ویروس مذکور بعید باشد. هرچند دور نیست که تحقیقات علمی آینده در خصوص ویروس مذکور، نوعاً کشنده بودن آن را ثابت نماید که در این صورت، می‌توان از تحقق بند «ب» ماده اخیر سخن گفت. لکن در حال حاضر، شمول بند «ب» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بر فرد مبتلایی که بدون قصد ایراد جنایت بر دیگری، با وی مصافحه نموده، موجب انتقال ویروس و مرگ دیگری می‌شود، بعید به‌نظر می‌رسد و شاید شایسته آن باشد که از تحقق قتل شبه‌عمدی موضوع ماده ۲۹۱ قانون اخیر در خصوص وی سخن گفت. در خصوص بند «پ» ماده ۲۹۰ قانون اخیر می‌توان فرد مبتلایی را مورد مثال قرار داد که به جمعی وارد می‌شود که در آن جمع شخصی پیرمرد با ضعف قوای جسمانی و پذیرنده ویروس کووید-۱۹ وجود دارد و فرد مبتلا نیز به وضعیت جسمانی آن پیرمرد آگاه است. در این حالت، علی‌رغم رعایت نکات بهداشتی از سوی فرد مبتلا، موجب انتقال ویروس مذکور به آن پیرمرد شده و وی به‌سبب ابتلای به آن ویروس از فرد نخست فوت می‌کند. علی‌رغم عدم قصد ایراد جنایت از سوی فرد نخست و رعایت نکات بهداشتی از سوی وی، اقدام وی را می‌توان مشمول قتل عمد مذکور در بند «پ» ماده مورد بحث دانست. لازم به ذکر است که در این مورد نیز احراز و اثبات رابطه سببیت، کشنده بودن انتقال کووید-۱۹ به پیرمرد و علم فرد نخست به وضعیت پیرمرد برای محکومیت به قتل عمدی به‌موجب بند «پ» ضرورت دارد. در خصوص مصداق بند (ت) در شرایط شیوع ویروس کووید-۱۹ نیز باید از وضعیتی سخن گفت که فردی مبتلا، به‌علت خصومت با یک جمع میان آنها برود و با قصد آنکه برخی افراد نامشخص از آن جمع را مبتلا کند و آنها به‌سبب ابتلای به ویروس مذکور فوت نمایند، نکات

بهداشتی را رعایت نکند و اقدام به عطسه یا سرفه‌هایی نماید که در نتیجه اقدام وی و به سبب آن، یک یا چند نفر از افراد حاضر در آن جمع به ویروس مذکور مبتلا شده، فوت نمایند. در این حالت نیز، در صورت اثبات کارشناسی کشنده بودن انتقال ویروس کووید-۱۹ از فرد مبتلا به سایر افراد، می‌توان وی را به قتل عمد مذکور در بند «د» ماده اخیر محکوم نمود. هرچند، چنانچه گفته شد، «نوعاً کشنده بودن» انتقال ویروس کووید-۱۹ به دیگری و ابتلای وی به آن، در حال حاضر از دیدگاه محققان و متخصصان علم پزشکی ثابت نیست و قریب به صواب آن است که از تحقق قتل غیرعمدی سخن گفت.

لازم به ذکر است که در ماده ۶۱۴ قانون مجازات (تعزیرات) ۱۳۷۵ نیز بیان شده است: «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا ازکارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی‌علیه گردد، در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود». طبق این ماده، اگر کسی این ویروس را وارد بدن دیگری نماید و به واسطه این ورود ریه فرد منتقل‌الیه آسیب جدی ببیند یا اختلال در بویایی، چشایی یا حس‌های دیگر وی به وجود بیاید، بعید است که بتوان شخص را مشمول ماده ۶۱۴ مذکور قرار داده و به تحمل دو تا پنج سال حبس تعزیری محکوم نمود؛ زیرا قانون‌گذار مشخصاً به ایراد ضرب و جرح اشاره کرده است و این نحوه عمل ایراد ضرب و جرح تلقی نمی‌شود،^۱ بنابراین در خصوص ارتکاب جنایات عمدی مادون نفس به موجب انتقال ویروس کووید-۱۹، می‌توان از یک ضعف در حوزه مقررات کیفری موجود سخن گفت.

۳.۲. جنایت شبه‌عمدی

مطابق ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود: الف) هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد

۱. رحمدل، منصور، آیا امکان ارتکاب جرم علیه تمامیت جسمانی از طریق انتقال ویروس کرونا وجود دارد؟، قابل دسترس در: «<https://www.tabnak.ir/0044sI>»، آخرین بازدید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶.

جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد. ب) هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد؛ مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد. پ) هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود؛ مشروط بر این که جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد. احراز رابطه سببیت عرفی بین رفتار مرتکب و نتیجه فعل وی و تدقیق در دقایق آن در خصوص موارد محکومیت انتقال دهندگان ویروس کووید-۱۹ به قتل شبه‌عمدی نیز ضروری است. همچنین به تصریح ماده ۱۴۵ قانون مذکور، «تحقق جرایم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیرعمدی اعم از شبه‌عمدی و خطای محض، مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود. تبصره: تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود». به تصریح ماده اخیر، یکی از مصادیق بی‌احتیاطی، عدم رعایت نظامات دولتی ذکر شده است. بدان سبب که هرگونه مقررۀ کلی، اعم از قانون، آیین‌نامه و مصوبۀ الزام‌آور، می‌تواند ذیل عنوان نظامات دولتی قرار بگیرد، می‌توان مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا را نیز مشمول عنوان نظامات دولتی دانست و عدم رعایت آن را موجب شمول تحت مفاد ماده ۲۹۱ اخیر تصور کرد.

همۀ موارد مذکور در حالی است که مطابق نظر برخی از صاحب‌نظران حقوق کیفری در اکثر مواردی که انتقال صورت گرفته به صورت ارادی نبوده است؛ یعنی شخصی که بیمار و به ویروس کرونا مبتلا بوده، در جمعی سرفه کرده است و سرفه امر ارادی نیست. موضوعی که در زمینۀ انتقال ویروس کرونا ایجاد می‌شود و شخص از دنیا می‌رود، از امور محسوس نیست و نمی‌شود اثبات کرد چه کسی انتقال را انجام داده و انتقال غیر قابل شناسایی است. فاصله زمانی قابل توجه میان انتقال و تأثیر در بیماری کرونا نیز وجود دارد که زمان نهفتگی دارد و بعداً آشکار می‌شود. پس نمی‌توان متوجه شد فرد از چه کسی این بیماری را گرفته است.^۱

۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم، تحلیل مرگ ناشی از انتقال کرونا از منظر حقوق کیفری، قابل دسترس در: <https://hawzahnews.com/news/903060>، آخرین بازدید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴.

۴. محاربه و افساد فی الارض

به نظر می‌رسد که در حالت عادی نمی‌توان انتقال ویروس کووید-۱۹ را مشمول یکی از عناوین مجرمانه «محاربه» یا «افساد فی الارض» محسوب کرد؛ اما در مواردی که فرد یا گروهی با توزیع و پخش وسیع اشیای آلوده به ویروس مذکور، در سطح جامعه، سعی در ابتلای وسیع افراد کشور یا شصت‌بخشی به شیوع آن داشته و هدفی چون اخلال در نظم، امنیت یا بهداشت عمومی را پی می‌گیرند، بحث از عناوین مذکور بلاوجه نخواهد بود. چنین اعمالی که ممکن است با اهدافی مختلف صورت پذیرد، می‌تواند از طرق گوناگونی مانند توزیع ماسک‌های آلوده و رواج مواد ضدعفونی‌کننده فاقد اثر و حاوی ویروس انجام پذیرد. بحث از عناوین مجرمانه مذکور در این موارد می‌تواند قابل طرح باشد. این موضوع در شرایطی که احتمال عامل انسانی در شیوع ویروس کووید-۱۹ به اثبات برسد، در صورت حکومت قانون ایران می‌تواند مستعمل قرار گیرد.

مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود». چنانچه از صراحت ماده روشن است، تطبیق مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کووید-۱۹ با عنوان مجرمانه محاربه ممکن نیست و اساساً محوریت «کشیدن سلاح» در تحقق عنوان مجرمانه مزبور مانع از بحث از تطبیق یا عدم تطبیق آن می‌شود. برخی استدلال‌های فقهی و تمسک به وضع قوانین سابق به منظور توسیع حیطه تفسیری «کشیدن سلاح» در ماده مذکور نیز مغایر با موازین تفسیر حقوقی و اصول استنباط به نظر می‌رسد. بنابراین با دلالت ماده بر موارد استعمال سلاح، امکان دلالت لفظ مذکور بر انتقال ویروس وجود ندارد و هرچند اصطلاح «سلاح بیولوژیک» در لسان بشر مدرن در حال شکل‌گیری و نضج است؛ حمل اصطلاحات قانون کیفری بر استنباطات عرفی جزء راهبردهای تفسیری قانون محسوب می‌شود و نباید از آن تجاوز نمود. بنابراین، استناد به عنوان مجرمانه محاربه نسبت به مرتکبان شیوع گسترده ویروس کووید-۱۹، ممتنع به نظر می‌رسد.

مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب،

اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به‌گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد». بر این اساس، جرم افساد فی‌الارض مقید بوده و تحقق نتیجه مجرمانه در آن ضروری است.^۱ با توجه به ویژگی‌های ویروس کووید-۱۹ در شیوع، قدرت واگیر و سرعت انتقال، اتخاذ اقداماتی به‌منظور شیوع بیشتر آن در سطح جامعه، قطعاً موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد می‌شود و همچنین پخش مواد ویروسی مصداقی از «پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک» است و در صورت انجام، منجر به اخلال شدید در نظم عمومی کشور و یا ناامنی می‌گردد. بر این اساس، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در مقام بیان مصادیق رفتارهای منجر به حکم افساد فی‌الارض است، می‌تواند چنین مرتکبی را تحت شمول خود قرار دهد و مرتکب اعمال مذکور می‌تواند به استناد ماده اخیر، مفسد فی‌الارض شناخته شود. بنابراین پخش گسترده ویروس کووید-۱۹ در شرایطی که موجب ورود جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص متعدد در سطح جامعه گردد، می‌تواند محقق سه شرط گستردگی عمل، پخش مواد میکروبی و ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اخلال در نظم عمومی کشور است و در این صورت مصداق افساد فی‌الارض باشد. حال اگر عمل ارتكابی از جهاتی نزدیک به جرم افساد فی‌الارض بود و پاره‌ای از شرایط این جرم را داشت، اما از سوی دیگر فاقد برخی شروط لازم برای تحقق این جرم بود، دو حالت مجرمانه قابل تصور است: در صورت نخست، عمل مشمول تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خواهد شد. مطابق این تبصره: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود». در فرض دوم، عمل از حیث

۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر، تحلیل جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی، نظارت و بازرسی ناجا، ۱۳۸۷، شماره ۶، ص ۳۰۰.

آثار و شرایط خفیف‌تر بوده و شرایط مذکور در ماده و تبصره آن را ندارد، در این صورت ممکن است در ذیل ماده ۶۸۸ قانون مجازات (تعزیرات) ۱۳۷۵ قرار بگیرد و به‌عنوان تهدیدی علیه بهداشت عمومی تلقی شود^۱ که مورد بحث در مبحث دوم این نوشتار واقع شد. روشن است که به‌منظور محکومیت به ماده مذکور، احراز وجود قصد مستقیم و غیرمستقیم برای تحقق نتیجه مذکور در ماده از سوی دادگاه، ضروری است.

در خصوص وظیفه حکومت‌ها در مسیر توسعه بهداشت عمومی و در مواردی که وصف «گسترده» برای قاضی در مورد ناقل قابل احراز نباشد، باید از روش‌هایی مانند قرنطینه و دیگر روش‌های کنترل به‌منظور حفظ سلامت جامعه استفاده گردد تا بعد از مشخص شدن ابعاد قضیه، تصمیم صحیح اخذ شود.

۱. فروغی، فضل‌الله، محمد میرزایی، امیر باقرزادگان و محسن صوفی زمر، پیشین، صص ۱۴۸-۱۴۷.

نتیجه‌گیری

از آنچه ذکر شد روشن می‌شود که هرچند امکان محکومیت منتقل‌کنندگان ویروس کووید-۱۹ مطابق مقررات عمومی حقوق کیفری ایران وجود دارد، ضروری است که به‌منظور صیانت از نظام سلامت و بهداشت عمومی کشور، با وضع مقررات خاص بیماری‌های واگیردار، فقدان تقنینی درخصوص انتقال بیماری‌های مسری مانند ویروس کووید-۱۹ مرتفع شده، محدودیت‌های موجود در قوانین خاص سابق، با وضع قوانین خاص روزآمد مرتفع گردد. این مهم با توجه به استمرار شیوع ویروس مذکور و لزوم ایجاد شکل‌گیری نظام حقوقی متناسب با آن، مؤکد می‌گردد. ذیل عمومات موجود در نظام حقوق کیفری ایران باید بیان کرد که مستنبط از قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار آن است که استناد به مواد قانون مذکور برای مسئولیت کیفری منتقل‌کنندگان ویروس کووید-۱۹ در مواردی ممتنع است و در مواردی نیز با وجود امکان انطباق، موجب محکومیت متناسب با رفتار ارتکاب‌یافته نخواهد شد. همچنین شمول ماده ۶۸۸ قانون مجازات (تعزیرات) ۱۳۷۵ بر افراد مبتلایی که ضمن نقض مصوبات ستاد ملی کرونا و وزارت بهداشت، موجبات تهدید جدی بهداشت عمومی و شیوع گسترده کووید-۱۹ را فراهم می‌آورند، با تفسیری موسع از ماده مذکور، ممکن است و مطابق تفسیری دیگر بعید به نظر می‌رسد. بسط ید دادرسان در پرداخت به هر یک از تفاسیر دوگانه مذکور مبتنی بر شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر هر پرونده می‌تواند راهی مناسب برای استفاده از ماده مذکور در خصوص مسئولیت کیفری برخی از مرتکبین باشد. به‌منظور محکومیت مبتلابان منتقل‌کننده ویروس کووید-۱۹ به قصاص یا دیه، می‌توان به مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تمسک کرد؛ اما احراز رابطه سببیت عرفی میان رفتار مرتکب و نتیجه آن با توجه به ویژگی‌های خاص ویروس کووید-۱۹ و دشواری احراز رابطه استناد و سببیت مذکور، بر عهده قاضی دادگاه و مبتنی بر نظر کارشناسی متخصصان خواهد بود. بنابراین، با عنایت به تداوم شیوع ویروس مذکور در کشور و پیش‌بینی شکل‌گیری ویروس‌های ناشناخته در آینده، توجه شایسته مقنن به حوزه تقنین افتراقی، روزآمد و کارآمد برای مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس‌ها و بیماری‌های واگیردار امری ضروری به‌نظر می‌رسد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر، *کلاهبرداری در حقوق ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه شاهد، چاپ نخست، ۱۳۷۴.
۲. میرمحمدصادقی، سیدحسین، *جرایم علیه اشخاص*، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
۳. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰.
۴. ولیدی، محمدصالح، *حقوق جزای اختصاصی*، جلد ۱، تهران، انتشارات جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۰.

مقاله

۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر، *تحلیل جرم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی*، نظارت و بازرسی ناجا، ۱۳۸۷، شماره ۶.
۶. فروغی، فضل‌الله، محمد میرزایی، امیر باقرزادگان و محسن صوفی زمره، *نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار و جرایم قابل انتساب*، فصلنامه حقوق پزشکی، سال نهم، ۱۳۹۴، شماره ۳۵.
۷. مصطفوی، سیدمصطفی و سیدرضا احسان‌پور، *مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ایدز و عوامل رافع آن؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران*، کانادا و فقه امامیه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هشتم، ۱۳۸۶، شماره ۲.

منبع اینترنتی

۸. حبیب‌زاده، محمدجعفر، حجت‌الله سلیمانی و شیرین‌دخت پیروزان‌فرد، *مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ویروس کرونا توسط اشخاص*، گزارش نشست تخصصی برگزار شده در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۹، قابل دسترس در:
۹. «<https://modares.ac.ir/uploads/Res.Guide.Hse.66.pdf>»، آخرین بازدید: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱.

۱۰. رحمدل، منصور، آیا امکان ارتکاب جرم علیه تمامیت جسمانی از طریق انتقال

ویروس کرونا وجود دارد؟، قابل دسترس در:

«[https://www.tabnak.ir/0044sI](https://www.tabnak.ir/0044sIhttps://www.tabnak.ir/0044sI)»، آخرین بازدید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶.

۱۱. شمس ناتری، محمدابراهیم، تحلیل مرگ ناشی از انتقال کرونا از منظر حقوق کیفری،

قابل دسترس در: «<https://hawzahnews.com/news/903060>»، آخرین بازدید:

۱۳۹۹/۰۳/۲۴.

قوانین

۱۲. قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ با اصلاحات

بعدی.

۱۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۱۴. قانون مجازات (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۴.

ب) منبع عربی

۱۵. طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: انتشارات مدرسه مرتضویه،

۱۳۴۶.